

## درس سوم: تصمیم گیری درست

از طلاب فراگیر انتظار می رود در پایان مطالعه این درس بتوانند:

- بتوانند مفهوم تصمیم گیری درست را توضیح دهند.
- بتوانند شرح دهند که چرا تصمیم گیری درست الزاماً به نتیجه مطلوب ما منتهی نمی شود.
- به خاطر داشته باشند که اگر نتوانیم تفاوت بین تصمیم گیری درست و نتیجه مطلوب را درک کنیم و تشخیص دهیم، نمی توانیم از تجربه های گذشته ی خود درس بگیریم و کیفیت تصمیم های خود را بهبود دهیم.
- بتوانند در زندگی شخصی و طلبگی خود، تصمیم های درستی را که به نتیجه نامطلوب منجر شده تشخیص دهند.

### انتظار ما از یادگیری مهارت تصمیم گیری چیست؟

می دانیم و شنیده ایم که موفقیت و پیشرفت، حاصل تصمیم های خوب است و برای تصمیم گیری درست و خوب، باید از تصمیم های بد خودمان درس بگیریم.

اما تصمیم درست و خوب چیست؟ چه زمانی می گوئیم که تصمیم درست یا تصمیم خوبی گرفته ایم؟ آیا وقتی از نتیجه تصمیم خود ناراضی هستیم، هنوز می توانیم ادعا کنیم که تصمیم مان درست بوده است؟ یکی از اشتباهات ذهنی ما انسان ها این است که فرایند تصمیم را با نتیجه تصمیم اشتباه می گیریم؛ یا اینکه با وجود آگاهی از تفاوت این دو، نمی توانیم آنها را به درستی از یکدیگر تفکیک کنیم. همه می دانیم و بارها شنیده ایم که فرایند تصمیم گیری شامل مراحل زیر است:

- تشخیص دقیق صورت مسئله
- گردآوری اطلاعات
- پیدا کردن گزینه های موجود
- ارزیابی گزینه های مختلف
- انتخاب بهترین گزینه

اما سوال اینجاست که آیا طی کردن مراحل بالا، الزاماً باعث می شود که به نتیجه ای مطلوب و دوست داشتنی برسیم؟

در سه حالت ممکن است نتیجه تصمیم درست، برای ما مطلوب و دوست داشتنی نباشد:

#### ۱. هیچ یک از گزینه ها مطلوب ما نیستند.

شما وضعیت موجود را می سنجید و تمام راه کارهای ممکن را می یابید. اما هیچ یک از آنها رضایت حداقلی شما را هم تأمین نمی کنند. اما به هر حال، هیچ تصمیمی را نمی توان به صورت دائمی عقب انداخت و جایی باید از میان گزینه های موجود یکی را انتخاب کنید. در چنین شرایطی، شما گزینه ای را که کمتر از سایر موارد، نامطلوب است انتخاب می کنید. این همان چیزی است که در ادبیات عامه به انتخاب بین بد و بدتر شناخته می شود.

برای مثال فرض کنید در کلاس درس سوالی به ذهن شما می رسد که جوابش برای شما بسیار مهم است. اما از طرفی ممکن است وقت کلاس با سوال شما گرفته شود حق الناس متوجه شما شود و یا پرسیدن آن موجب بی احترامی به استاد شود. در اینصورت تمام گزینه های شما نامطلوب خواهد بود و انتخاب شما بین بد و بدتر است.

البته این مثال، بزرگ نمایی شده است. ولی ما در مقیاس های کوچک تر هم دائماً با چنین تصمیمی مواجه هستیم.

انتخاب میان یکی از همکلاسی‌های ضعیف‌مان برای مباحثه - در شرایطی که ترجیح می‌دادیم با همکلاسی‌های فاضلمان مباحثه کنیم - مثال دیگری از همین جنس است.

انتخاب بین درس دو استاد مختلف - که هیچکدام مطلوب ما نیستند و کلاس آنها مقارن با ساعت درس استاد محبوب ماست - نمونه‌ی دیگری از همین شکل تصمیم‌گیری است.

## ۲. نقش عوامل پیش‌بینی‌ناپذیر محیطی

گاهی اوقات هم، نتیجه‌ی تصمیم ما در اثر عوامل پیش‌بینی‌ناپذیر محیطی تعیین می‌شود.

به این مثال‌ها توجه کنید:

### تحقیق بیشتر در مورد انتخاب محل تحصیل

فرض کنید برای رفتن به یکی از مراکز تخصصی حوزوی و تحصیل در رشته مورد علاقه تان وارد سایت ثبت نام آن مرکز شده اید. وقتی شرایط را بررسی می‌کنید می‌بینید که برای رفتن به آن مرکز باید به شهر دیگری مهاجرت کنید و این کمی برای شما مشکل است.

چون می‌بینید که ظرفیت ثبت نام هنوز تکمیل نشده و فرصت برای ثبت نام باقی است، - و بعید است به این زودی‌ها تکمیل شود- تصمیم می‌گیرید وضعیت مراکز تخصصی دیگری که رشته مورد علاقه شما را ارائه می‌دهد بررسی کنید.

بعد از کمی جستجو در مورد وضعیت مدرک و اساتید مراکز تخصصی دیگر متوجه می‌شوید که شرایط همان مرکز اول با وضعیت شما مطابقت بیشتری دارد و از دیگر گزینه‌ها مناسب‌تر است. در نتیجه تصمیم می‌گیرید به سایت ثبت نام همان مرکز تخصصی مراجعه کنید و در آزمون ورودی همان مرکز ثبت نام کنید. اما متأسفانه با این پیام مواجه می‌شوید که ظرفیت ثبت نام تکمیل شده و شما دیگر شانس برای رفتن به آن مرکز تخصصی و تحصیل در آنجا را ندارید.

احتمالاً در آینده هر بار تصمیم بگیرید چنین انتخابی انجام دهید، در صورتی که نیاز به کسب اطلاعات بیشتر داشته باشید، لحظه‌ای تردید می‌کنید که آیا درست است تا ثبت نام خود را به تأخیر بیندازم؟

اینجاست که بحث **یادگیری از تصمیم‌های گذشته** معنا پیدا می‌کند و مهم است که شما تشخیص بدهید این تجربه تا چه حد باید در تصمیم‌ها و رفتارهای آینده‌ی شما تأثیر بگذارد.

### انتخاب رشته مورد علاقه

فرض کنید شما در روزهای پایانی سطح یک هستید و می‌خواهید برای ورود به سطح دو رشته تخصصی روانشناسی موسسه امام خمینی (ره) را انتخاب کرده اید. قبل از انتخاب خود نیز با اساتید مشاور هدایت تحصیلی طلاب مشورت نموده اید و این رشته را برای شما متناسب اعلام کرده اند. از طرفی موسسه مذکور نیز سال‌هاست که این رشته را ارائه می‌کنند و اساتید مبرز و دانشمندی در آنجا تدریس می‌کنند. شما در آزمون ورودی این موسسه نیز قبول شده اید و در مصاحبه شفاهی نیز نمره قابل قبول دریافت کرده اید.

در این حال پس از گذشتن دو هفته از تحصیل شما در این رشته بخشنامه‌ای از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به موسسه ارسال می‌شود که باید در اسرع وقت نسبت به ملغی نمودن رشته‌های اقتصاد، علوم تربیتی و روانشناسی اقدام نمایند و کلیه دانش‌پژوهان این سه رشته را در رشته‌های دیگر ثبت نام کنند.

این بخشنامه موجب می شود تا شما مجبور به ترک این موسسه شوید و یا رشته ای که انتخاب شما نیست و علاقه ای به آن ندارید تحصیل کنید. اما آیا تصمیم شما درباره‌ی **انتخاب رشته روانشناسی در آن موسسه اشتباه** بوده است؟

### **وقتی نتیجه به هر حال بد بوده، دیگر چرا باید به خاطر فرایند خوب خوشحال باشم؟**

ممکن است با خود بگویید وقتی شانس تحصیل در این رشته و موسسه را از دست داده ام و یک سال تحصیلی در مراکز تخصصی را از دست داده ام، دیگر چرا باید دلم را خوش کنم که نتیجه بد بود اما فرایند تصمیم‌گیری من درست بود.

در اینجا باید به یک نکته‌ی مهم توجه داشته باشیم:

به عنوان مثال، اگر تنها مرکز تخصصی که می توانستید انتخاب کنید همانی بود که ظرفیتش تکمیل شده، می‌توانستید به خود بگویید فرایند برایم مهم نیست و همین که من نتوانسته ام ثبت نام کنم، همه چیز را باختم‌ام.

اما می‌دانیم که بارها و بارها تصمیم‌های مشابهی می‌گیریم و در طول زمان، **منافع حاصل از جمع‌آوری اطلاعات بیشتر** بسیار بزرگ‌تر از **ثبت نام ناگهانی و لحظه‌ای بدون کسب اطلاعات** است.

### **۳. وقتی یکی از سناریوهای نامطلوبِ محتملِ پیش‌بینی شده رخ می‌دهند**

فرض کنید قصد دارید یک لپ‌تاپ برای خودتان بخرید. بعد از بررسی گزینه‌های مختلف به دو گزینه‌ی نهایی رسیده‌اید.

یکی از لپ‌تاپ‌ها طراحی زیبایی دارد، اما بسیار ظریف است و ممکن است در نخستین مرتبه‌ای که به زمین می‌خورد کاملاً نابود شود و از کار بیفتد.

لپ‌تاپ دیگر، ظاهر بسیار زشت و زنده‌ای دارد و دیدنش حس خوبی به شما نمی‌دهد؛ اما مشخص است که اگر هم روی زمین بیفتد، زمین آسیب می‌بیند و لپ‌تاپ سالم می‌ماند.

شما در نهایت فاکتورهایی را که برایتان مهم است فهرست و ارزیابی می‌کنید و می‌بینید که زیبایی برایتان بسیار مهم است. همچنین با مرور خاطراتان به نتیجه می‌رسید که طی دوازده سال گذشته که به صورت دائمی لپ‌تاپ در اختیارتان بوده، فقط یک بار لپ‌تاپ از دست‌تان افتاده است.

بنابراین احتمال زمین خوردن و شکستن، منتفی نیست؛ اما با توجه به اهمیت ظاهر زیبا و طراحی لپ‌تاپ برای شما، احساس می‌کنید که تصمیم درست، خریدن لپ‌تاپ زیباتر است.

چند روز بعد از اینکه لپ‌تاپ را می‌خرید، اتفاقاً از دست‌تان می‌افتد و می‌شکند.

در اینجا ظاهراً نتیجه‌ی تصمیم، مطلوب شما نبوده است. اما باید به خاطر داشته باشید که شما فرایند درستی را طی کرده‌اید و سناریوهای محتمل و هزینه‌های هر یک را هم در نظر گرفته‌اید و فاکتورهای مهم و ترجیحات خودتان را هم فهرست کرده‌اید. بنابراین، فرایند تصمیم‌گیری شما کاملاً درست بوده؛ حتی اگر نتیجه‌ی نامطلوبی حاصل شده باشد.

فرایند تصمیم‌گیری درست، قرار نیست همیشه و در هر لحظه برای ما نتیجه‌ای مطلوب به همراه بیاورد. اما چون بنا به تعریف، قدرت پیش‌بینی عوامل پیش‌بینی ناپذیر را نداریم، منطقی است با رعایت اصول تصمیم‌گیری درست سهم مشکلات و تبعات منفی خارج از اختیار را در زندگی و مسیر طلبگی خود کاهش دهیم.

البته این را هم می‌دانیم که عکس این ماجرا هم مصداق‌های فراوانی دارد. یعنی کسانی که بدون طی کردن فرایند تصمیم‌گیری درست، تصمیم‌هایی گرفته‌اند و به نتیجه‌های ارزشمندی نیز رسیده‌اند. اما اینکه آن افراد، اشتهاً فکر کنند در تصمیم‌گیری ماهر هستند، یا اینکه ما سعی کنیم روش تصمیم‌گیری آنها را الگوی خود قرار دهیم، بسیار نادرست است.

### **اندکی تأمل:**

یکی از تصمیم‌های درست خود را در زندگی یا مدرسه و در دنیای طلبگی پیدا کنید که به نتیجه‌ی مطلوب منتهی نشده، اما شما می‌دانید که نباید به خاطر نتیجه‌ی نامطلوب، روش تصمیم‌گیری خود را تغییر دهید.

لازم نیست الزاماً تصمیم‌های بسیار کلیدی یا بزرگ را مطرح کنید. هر تصمیمی که بتواند مثالی برای تفکیکِ فرایند تصمیم و نتیجه تصمیم باشد، مفید و آموزنده است.